

❖ تقدیم به:

غیور مردانی که با دفاع و دلاوری خود، نام سیستان را پُر آوازه کردند؛
و روح پدران و مادرانی که با تربیت علوی و فاطمی،

شیر مردانی چون؛

« شهید حاج قاسم میرحسینی »

با دامن پاک شان تربیت نمودند.

www.ketab.ir



موج‌ها و سواحل

زندگی نامه خاطرات، دست نوشته با و سخرانی ها
سرشکر شهید حاج قاسم میرسینی
قائم مقام لشکر ۴۱ ثارالله

«به اهتمام: اسماء دهقان»

فهرست

.....	سخن اول	۹
.....	مقدمه	۱۳



فصل اول: زندگی نامه زندگی نامه شهید حاج قاسم میرحسینی



فصل دوم: خاطرات

شهید میرحسینی در قاف خاطرات هم زمان

.....	شهید میرحسینی از زبان سرلشکر حاج قاسم سلیمانی	۲۳
.....	خاطره: علی زارعی	۲۶
.....	خاطره: محبعلی فارسی	۴۲
.....	خاطره: حبیب دانش شهرکی	۲۸
.....	خاطره: زنده یاد علی آقایی	۴۳
.....	خاطره: محمد کیخا	۳۰
.....	خاطره: حاج قاسم سلیمانی	۴۴
.....	خاطره: محمد کیخا	۳۱
.....	خاطره: حسینعلی خسروی	۴۶
.....	خاطره: محمد رضا حیدری نسب	۳۲
.....	خاطره: محمد رضا زاهد شیخی	۳۴
.....	خاطره: حبیب دانش شهرکی	۴۹
.....	خاطره: علی زارعی	۳۷
.....	خاطره: حبیب الله صابری	۵۰
.....	خاطره: امیرعباس صحرانشین	۳۸
.....	خاطره: حسین جهان تاب	۵۲
.....	خاطره: عبد الرحیم شهرکی	۳۹
.....	خاطره: سید محمود طباطبایی	۵۳
.....	خاطره: پدر شهید	۴۱
.....	خاطره: حاج قاسم سلیمانی	۵۵
.....	خاطره: حبیب الله صابری	۵۶



فصل سوم: نجوای های عارفانه

۵۹.....	مناجات المریدین . خمس عشر
۶۳.....	الهی نامه
۶۵.....	گفتم گفتا
۶۷.....	سفرنامه‌ی مدینه‌ی منوره
۶۹.....	سفرنامه‌ی مکه‌ی مکرمه



فصل چهارم: خطابه‌ها

براساس برخی از سخنرانی‌های سردار شهید میرحسینی

۷۳.....	سخنرانی قبل از عملیات خیبر
۸۰.....	سخنرانی بعد از عملیات خیبر
۹۰.....	سخنرانی در نماز جمعه‌ی راهپایان پس از عملیات بدر
۹۸.....	سخنرانی پس از عملیات والفجر در جمع راهپیمایان زابل
۱۰۷.....	سخنرانی در مورد نظم و احکام اسلامی
۱۱۱.....	گفتگوی روزنامه‌ی کیهان درباره‌ی ضرورت ادامه‌ی جنگ
۱۱۶.....	پیام تبریک به رزمندگان در آستانه‌ی نوروز



فصل پنجم: از سنگرهای عاشقی تا کانون خانواده

براساس برخی از نامه‌های سردار شهید میرحسینی

۱۲۱.....	نامه‌ی شماره‌ی ۱
۱۲۳.....	نامه‌ی شماره‌ی ۲
۱۲۵.....	نامه‌ی شماره‌ی ۳
۱۲۹.....	نامه‌ی شماره‌ی ۴



فصل ششم: آخر کلام، وصیت نامه

۱۳۳.....	وصیت نامه
----------	-----------

«شهید قاسم میرحسینی» که از سرداران لشکر ثارالله، او هم در میدان نبرد هنگام دفاع از آن شخصیت های جالب و استثنایی است؛ من مردم سیستان را این جور شناختم.

مقام معظم رهبری مد ظله العالی

❁ سخن اول

به نام خدا، ای که توانایی قلم در دست گرفتن را به من داد تا بنویسم. نمی دانم چگونه جرات پیدا کردم تا پای از گلیم خود فراتر نهاده و به نوشتن از مردی پردازم که با طریقه ی سیستان بود.

مردی از دیار خودم...

دیار آفتاب و آینه، دیار مردی و زنانگی...
آری!

مردی از سیستان، مردی از تبار رستم، مردی که هم به یون و خروشان هامون در برابر ظلم و ستم می خروشید.

مردی که در نوزده سالگی و در عنفوان جوانی، جوانی اش را پشت سنگرها سپری کرد.

مردی که نام سیستان را با نبرد خود در میدان جنگ و هنگام دفاع، پُر آوازه کرد.

مردی که از یک روستای دور افتاده به نام «جزینک» در پی ندای رهبر کبیر انقلاب سراز «ارتفاعات قلاویزان»، «جزایر مجنون» و «فاو» و «سه راهی شهادت»، «نهر جاسم»، «کانال ماهی» و «دژ شلمچه» در آورد و در همان جا جاودانه شد.

آری، این بزرگ مرد کسی نیست جز «حاج قاسم میرحسینی»؛ مردی که زاده‌ی همین خاک است. همین خاک تشنه‌کام؛ همین خاک مردآزمای آینه‌پرو؛ همین خاک که اکنون در نبود دلاور مردانی همچون حاج قاسم، تبدیل به استانی شده که بعد از اتمام جنگ هنوز هم شهید می‌دهد.

در نبود مردانی خدایی و دلیر همچون حاج قاسم، دوباره چشم بیگانگان به این استان افتاده و با بمب‌گذاری در خانه‌ی خدا و بستن راه مردم مظلوم می‌خواهند ما را از گذشته‌ی درخشان مان جدا کنند.

اما ما هستیم؛ ما جوانان نسل سوم، زاده‌ی همین آب و خاک، ایستاده‌ایم و نمی‌گذاریم خون شهیدان مان پای مال شود. اگر در زمان جنگ نبودیم تا دفاع کنیم، اما اکنون علم را به مانند سلاح در دست می‌گیریم و با تمام احساس می‌نویسیم تا همه بدانند که سیستان چه گل‌هایی را تقدیم انقلاب کرده. می‌نویسیم تا همه بدانند هنوز جوانان این استان هستند که راه شهیدانی چون «هراتی، عالی، خدری، بشاری و...» را ادامه دهند.

و من اکنون قلم در دست گرفته‌ام تا از جوانانی که بیسم که درس شهادت، هم‌سن خودم بود، اما، ما کجا و آن‌ها کجا؟ به قاسم چرا؟ مگر آن‌ها میل به زندگی نداشتند؟ مگر آن‌ها جوانی کردن را بلد نبودند؟ اما چرا؟ آن‌ها بلد بودند و ما نابلد. آن‌ها می‌دانستند جوانی یعنی «لیک یا خمینی»؛ آن‌ها جوانی را در لباس خاکی بسیجی و زیر تیربار آتش دشمن به پایان رساندند. حاج قاسم مرد جبهه بود. مرد مردی و مردانگی، فرماندهی بود در لباس بسیجی؛ حاج قاسم بر قلب‌ها فرماندهی می‌کرد. او چون مولایش علی علیه السلام، روزها را شجاعانه در میدان جنگ می‌جنگید و شب‌ها به درگاه خداوند گریه و زاری می‌کرد و شهید نشدنش را ظلم و ستم می‌دانست.

اما چگونه شد که یک جوان بیست و یک ساله‌ی سیستانی توانست قائم مقام «لشکر ۴۱ ثارالله» شود و فرماندهی بسیاری از عملیات‌ها را بر عهده بگیرد؟!

برای پاسخ‌گویی به تمام سوال‌هایی که ذهنم را مشغول کرده بود، به اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مراجعه کردم و بعد از طرح موضوع نوشتن از «حاج قاسم میرحسینی» و با استقبال مدیرکل، مدارک و اسناد مربوط به این شهید که هزاران صفحه بود، در اختیارم قرار گرفت که پس از ماه‌ها مطالعه، مرور زندگی با خاطرات، دست‌نوشته‌ها، نوارهای صوتی و نواهای دل‌نشین حاج قاسم، مجموعه‌ی حاضر هر چند ناقص و محدود تقدیم می‌گردد؛ به امید آن‌که در آخرت دستگیر ما باشد.

■ اسماء دهقان

www.ketab.ir

❖ مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران خشم استکبار جهانی، به ویژه آمریکا را برانگیخت. زیرا علیرغم سرنگونی رژیم شاه که حافظ منافع آنان بود، عمدتاً با سیاست استقلال‌طلبانه و نفی سلطه‌ی شرق و غرب، منافع بین‌المللی آمریکا را به خطر انداخت. به طوری که با اشغال لانه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران، معارضه‌ی جدیدی بین انقلاب اسلامی و استکبار جهانی آغاز شد. آمریکا با اشغال سفارت خود در ایران، عملاً خود را در محاصره‌ی غافل‌گیرانه‌ی انقلاب دید؛ و با وجود فشارهای سیاسی و نظامی گسترده‌ی جهانی، نتوانست از این محاصره خارج شود؛ تا این که به علت طبع در پنجم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ دست زد و شکست خورد.

پس از آن کودتای نوژه را برنامه‌ریزی کرد که در این مرحله نیز موفق نشد؛ آن‌گاه آمریکا و متحدانش به فکرایجاد یک غائله‌ی مرزی و حمله‌ی نظامی افتادند و ملت ایران را وارد جنگ تحمیلی ناخواسته‌ای کردند.

بی‌تردید دفاع مقدس دوره‌ای درخشان و افتخارآمیز انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است.

دوره‌ای که حقانیت، عظمت و صلابت نظام در آن برای همه‌ی جهانیان به اثبات رسید. در این حماسه‌ی غرورانگیز، رزمندگان سرافراز و ملت قهرمان

ایران توانستند با اقتدار کامل از دین، کرامت، آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های خویش دفاع کرده و دشمنان جهانی خود را شکست دهند. آن‌چه به دفاع ملت ما در آن دوران تقدس بخشید و جنگ را با همه‌ی تلخی‌ها و مرارت‌ها شیرین و آسان کرد، ایثارگری‌ای بود که رزمندگان این مرز و بوم از خود به جای گذاشتند.

فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس از سه دهه‌ی پیش در شرایطی کاملاً استثنایی با رهنمودهای امام راحل در جامعه شکل گرفته و بنیان نهاده شد. این فرهنگ تا به امروز موجب رشد فضایل اخلاقی و ترویج آن در جامعه، به ویژه نسل جوان شده است.

فضای معنوی و الهی که در آن زمان بر مناطق عملیاتی حاکم بود، جبهه‌ها را به دانسته‌ی بزرگ فرهنگی و اخلاقی تبدیل کرده بود؛ به گونه‌ای که نوجوانان و جوانانی که به جبهه‌ها می‌رفتند، آن‌چنان مجذوب فضای حاکم بر جبهه‌ها می‌شدند که حتی در زمانی کوتاه که به مرخصی و نزد خانواده برمی‌گشتند، تاب ماندن نداشت و به جبهه به جبهه برمی‌گشتند؛ این‌گونه شد که شخصیت بسیاری از آنان در جبهه شکل گرفت.

سردار شهید حاج قاسم میرحسینی از این تبار بود که در عنوان جوانی وارد جبهه شد و خیلی زود آوازه‌اش در سراسر جبهه پیچید؛ به طوری که وی بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری از «شخصیت‌های جالب و استثنایی» بود و نام سیستان را پرآوازه کرد. «روحش شاد»

- سرهنگ پاسدار حمزه دهقان
- مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
- استان سیستان و بلوچستان